

اما بود در ارغند

با سلام گرم و تسکین از این که لطفاً برای برگه‌های یک شوخوانی دعوت کرده‌اید از برادر سفر من ^{برده‌اند} که بایستی است. من دیدم هر دو که تو از خوان در میان تو از یک لپه است. فعلاً دارم خدمت ^{دوم} اردت به برادر و خدمت به دیدار خوش و زمانان به امری بروم. یعنی دو سه روز در نزد تو که خانه خواهرزاده ام ^{باز} کنس به من دیاگر بروم ^{باز} اما با آنست به اندک آنست خواهم داشت. البته خواهرزاده ^{بر} ام نیز باره Sacramento دعوت کرده که فعلاً نمی‌دانم می‌روم یا نه.

چون مسافرت در جدول آنرا که برام با اندازه از نماندن است. نمی‌دانم بر نامه ام را چگونه ترتیب بدم تا بتهاد شما برام با شوق بیدرم. اگر بدف ^{باز} لطفاً برای شوخوانی ^{باز} و اینکلی بود ^{باز} لقمه گویی برام آسان می‌نمورد. بنابراین خواهش می‌کنم که نظر آن را در این مورد بنویسید تا بجا ^{باز} این تا حد امکان آدام کنم.

و اما کار بخش خودش خاتمی که برکتی آید ^{باز} اما با آنست ^{باز} که بایستی نه بایستی. به آنها خبر میدهم تا بفکر کنند. من خودم چندین نسخه خواهم آورد. فعلاً یک نسخه از آن را بیا ^{باز} آن چند جلد فراوانی شد ^{باز} که در این می‌نم از ^{باز} حتماً ^{باز} بود ^{باز} بر آنست ^{باز} می‌نم.

البته خوب می‌شد اگر بخت آوردیم در آنروز می‌دیدم. از نزدت خاطر ام برسد ^{باز} آید که «سابقه سال ۶۰ نام دارد. باید بگویم. مجموعه نوشته‌ها را در دست ^{باز} بلکه که نزدت است ^{باز} می‌نم ^{باز} است ^{باز} به ^{باز} در ^{باز} بود ^{باز} پس ^{باز} چاپ ^{باز} خواهد ^{باز} شد ^{باز} با سلام ^{باز} صمیمانه به همه محترمان ^{باز} و دوستان ^{باز} عزیز ^{باز} که ^{باز} داشتند ^{باز} بر ^{باز}»

دوست
ترانه